

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره: ۲۹، بهار ۱۳۷۹

بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان

دکتر سیاوش دهقانیان، محمدرضا کهنسال*

چکیده

عشایر، جامعه‌ای با فعالیتهای اقتصادی به شمار می‌آیند که خصوصیت‌های اجتماعی، فرهنگی و شیوه سکونت ویژه‌ای دارند. از نظر اقتصادی، درآمد عشایر به دام و دامداری وابسته است. آنها برای بهره‌گیری از مراتع و امکانات زندگی، از مکانی به مکان دیگر کوچ می‌کنند و به شیوه سنتی به دامداری می‌پردازند. نظام عشایری ایران به علت تحولات دهه گذشته، دستخوش دگرگونی‌های فراوانی شده است. بر همین اساس پژوهش حاضر با اتکای کامل به نمونه‌برداریهای علمی و در راستای شناخت بیشتر جنبه‌های اقتصادی تولید عشایر خراسان به عنوان نمونه گونه‌گونی از جامعه عشایری ایران انجام گرفته است. اطلاعات مورد نیاز این بررسی از راه تکمیل ۱۸۳۱ پرسشنامه در دوره ییلاق در سطح ۱۹ شهرستان و ۱۲۹ پرسشنامه در دوره قشلاق در سطح ۴ شهرستان استان خراسان گردآوری شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که

* اعضای هیئت علمی گروه اقتصاد دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

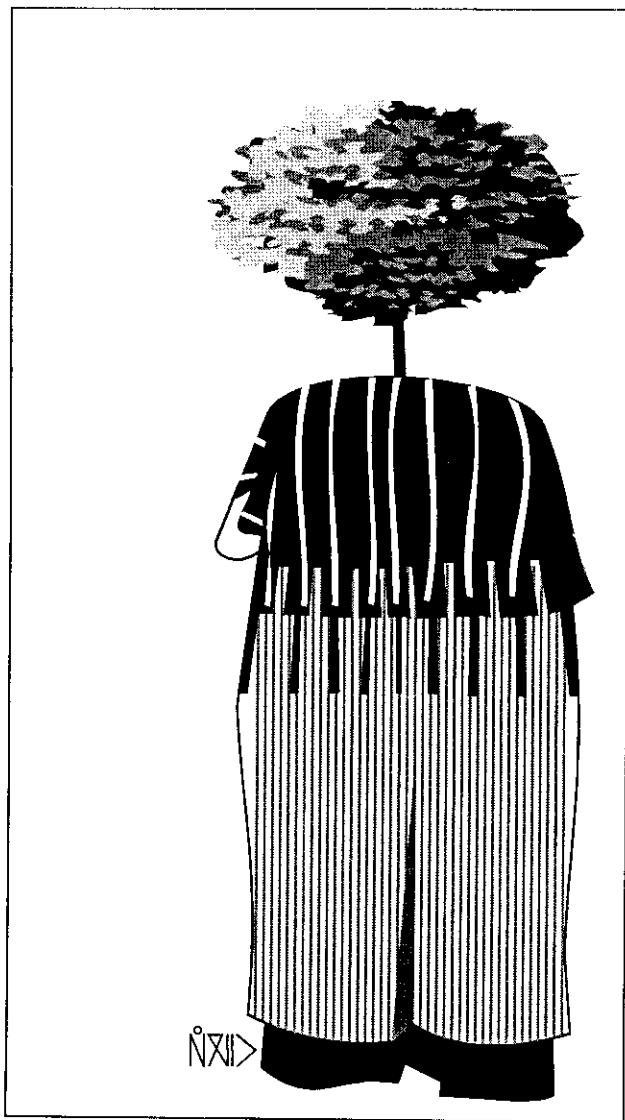
۶۶/۲ درصد درآمد سالانه عشایر از پرورش و فروش دام، ۱۳/۸ درصد آن از تولید پشم، ۱۶/۸ درصد از تولید شیر و باقیانده نیز از تولید مو و کرک به دست می‌آید. افزون بر این، ۱۲/۹ درصد خانوارهای عشایر نمونه خراسان، در کنار دامپروری به زراعت می‌پردازند که ۶۲/۳ درصد آنها در مناطق بیلاق، ۸/۵ درصد در مناطق میانبند و ۲۹/۲ درصد در مناطق قشلاقی به فعالیتهای زراعی اشتغال دارند. همچنین ۴۳/۶ درصد خانوارهای عشایر نمونه خراسان، اقدام به تولید صنایع دستی می‌کنند که ۷۱/۱ درصد صنایع دست ساز آنها تنها جنبه خود مصرفی داشته، ۱۱/۹ درصد با انگیزه فروش و باقیانده نیز با انگیزه مختلط (خود مصرفی و فروش) تولید شده است.

مقدمه

زندگی عشایری با الهام از الگوهای طبیعی شکل گرفته و چارچوب آن به سازگاری با طبیعت ارتباط دارد. کوچ یکی از بارزترین شاخصهای تطابق با شرایط طبیعی به شمار می‌آید و عشایر در طی هزاران سال با شناخت کامل عوامل محیطی وابسته به رشد گیاهی و روابط دو سویه محیط با اجزای زنده آن و با اتکای به فرایند کوچروی، از منابع طبیعی کنونی به صورت بهینه بهره‌برداری کرده‌اند. کوچ از دیدگاه بومشناختی با فرایندهای تواتری مراحل رشد گیاهی ارتباط دارد و عشایر حرکت خود را همراستا با مراحل فنولوژیکی رشد گیاهان استوار می‌کنند. این گروه از انسانها با شناخت کامل از گیاهان شاخص مرتعی، دوره چرای دامهای خود را با معیارهای بهره‌برداری مجاز تنظیم می‌کنند. عشایر از تمامی موهبتهای طبیعی بومنظامهایی که در قلمرو خود دارند به اندازه مطلوب و بدون آسیب رساندن به آنها، بهره‌برداری می‌کنند. همچنین عشایر طبیعت را می‌شناسند، با آن در ستیز نیستند و به صورتی پویا هماهنگ با طبیعت اند. گفتنی است نظامهای عشایری از پایدارترین نظامهای تولید معیشتی به شمار می‌آید و هیچگاه بیش از آنچه سزاوارند از منابع دسترسپذیر خود بهره‌برداری نمی‌کنند؛ از طبیعت می‌گیرند و بخشی به آن پس می‌دهند و بدین ترتیب چرخه‌های زیستی را تکامل می‌بخشند. در گذشته‌ای نه چندان دور،

ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور ما به طور کامل وابسته به نظام عشیره‌ای و زندگی معیشتی بود به گونه‌ای که در اوایل سده گذشته نزدیک به نیمی از جمعیت کشور و در اوایل سده کنونی حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد آن را عشایر تشکیل می‌داد (۹). این گروه همچنین بخش عمده‌ای از نیازهای پروتئینی جمعیت کشور را فراهم می‌کرد و افزون بر آن به عنوان ابزاری کارآمد در کشمکشهای سیاسی به کار گرفته می‌شد که در این راستا آنها از پاسداران واقعی مرزهای کشور به شمار می‌آمدند. تولیدات عشایری هنوز نیز ۲۲/۵ درصد ارزش افزوده بخش دامپروری را در تولید ناخالص ملی کشور در بردارد و پهنه گسترده‌ای از این سرزمین را به خود اختصاص داده است. این نظام تولیدی به رغم چالشهای فراوانی که با آن روبه‌روست با تمام نیرو در راستای ادامه حیات خویش پیش می‌رود. بر پایه برآوردهای موجود، تمام یا بخشهایی از ۲۲ استان کشور، قلمرو عشایر به شمار می‌آیند و در این میان استان خراسان با ۱۶۵۳۵۹ کیلومتر مربع یعنی ۱۷/۲ درصد قلمرو عشایری کل کشور و ۵۲/۴ درصد مساحت استان، دومین استان کشور از این نظر است. در گذشته گرچه مطالعات گوناگونی در زمینه زندگی عشایر ایران از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی انجام گرفته (۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷)، ولی پژوهشهای اقتصادی چندان مورد توجه نبوده است. پژوهش حاضر با اتکای کامل به نمونه برداریهای علمی در راستای شناخت بیشتر جنبه‌های اقتصادی تولید عشایر خراسان به عنوان نمونه گونه‌گونی از جامعه عشایری ایران انجام پذیرفته است. بدون تردید برای پدید آوردن هر نوع تحول بنیادین در جامعه عشایری ایران لازم است بررسیهای جامع علمی صورت گیرد و از هر گونه برنامه‌ریزیهای مقطعی و موردی وابسته به مقولات فکری نیز پرهیز شود. این پژوهش با توجه به هدف «بررسی وضعیت اقتصادی عشایر خراسان» و با در نظر گرفتن فرضهای زیر انجام شده است:

- ترکیب گله عشایر در مناطق شمال و جنوب خراسان متفاوت است.
- ترکیب گله عشایر نسبت به سالهای گذشته تغییر یافته است.
- عشایر استان خراسان سهم ناچیزی از دام عشایری کشور را به خود اختصاص داده‌اند.



- سهم بز در ترکیب گله خانوارهای مرفه عشایری، نسبت به دیگر، خانوارها کمتر است.
 - پرورش هر رأس گوسفند درآمد سالانه بیشتری نسبت به درآمد سالانه پرورش هر رأس بز دارد.

- عمده‌ترین قلم تشکیل دهنده هزینه نگهداری دام عشایر، هزینه تعلیف دستی است.
 - هزینه سالانه نگهداری هر رأس بز از هزینه سالانه نگهداری هر رأس گوسفند کمتر است.

مواد و روشها

در این پژوهش با به کارگیری روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تنظیم و تکمیل پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد و برای محاسبه تعداد نمونه، رابطه زیر به کار رفت:

$$n = \frac{N\delta_c^2}{ND + \delta_c^2} \quad D = \frac{B^2}{4N^2}$$

که در آن:

n = تعداد خوشه‌ها در نمونه

N = تعداد خوشه‌ها در جمعیت مورد نظر

δ_c^2 = واریانس جمعیت

B = خطای تخمین

اطلاعات جمع‌آوری شده از عشایر، در برگزیده ویژگیهای کلی زندگی، میزان تولیدات دامی و دیگر اطلاعات اقتصادی، اجتماعی است. پس از به دست آمدن اطلاعات، با به کارگیری برنامه کامپیوتری Spsspc و Qpro داده‌ها و خروجیها بررسی و واکاوی شد.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، نخست نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده استان خراسان که در سال ۱۳۶۶ انجام شده بود مبنای کار قرار گرفت (۷ و ۸ و ۱۴). برای نمونه‌گیری ضروری بود که با توجه به ویژگی جامعه عشایر کوچنده کشور، از روشهای خاص استفاده شود. در آمارگیریهای مختلف روستایی و شهری، روش کار بدین صورت است که نخست

به آبادیها و بلوکهای شهری به عنوان چارچوبهای کار و سپس در درون هر آبادی یا بلوک، به خانوادهها مراجعه و برای آنها پرسشنامه تکمیل می شود. این کار با به کارگیری نقشه های آماری انجام می گیرد؛ ولی در زمینه آمارگیری از خانواده های عشایری نخست باید جامعه عشایری به زیر - جامعه هایی تقسیم و هر زیر جامعه به صورت یک واحد آماری مشخص شود؛ سپس با ترتیبی خاص و برنامه ای مناسب به هر یک از واحدها مراجعه و از آنها آمارگیری شود. از مطالعه مجموعه شرایط، این نتیجه به دست آمد که برای تعیین کردن واحد آماری، باید از «تشکیلات اجتماعی» عشایر استفاده شود. جامعه عشایری از دیرباز تقسیمی بر مبنای تشکیلات اجتماعی ایلها و طایفه های مستقل داشته است که این شیوه تقسیم بندی را می توان به عنوان راهنمای انتخاب واحد آماری به کار گرفت. بر پایه اطلاعات به دست آمده از سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کشور در تیرماه ۱۳۶۶، محل استقرار بیلاقی ۸۶ طایفه مستقل با ۹۰۷۷ خانوار و ۵۰۶۴۳ نفر جمعیت در ۱۹ شهرستان استان خراسان و محل استقرار قشلاقی یک ایل و ۶۲ طایفه مستقل با ۶۷۱۳ خانوار و ۳۵۹۲۷ نفر جمعیت در ۱۷ شهرستان قرار داشته است (جدول شماره ۱).

برخلاف آمارگیریهای دیگر که واحدهای آماری آنها به طور عمده در شهرها و روستاهای کشور واقع شده است، واحد آماری در این پژوهش بیرون از محدوده شهرها و آبادیها و در گستره دشتهای پهناور و مناطق مرتفع، قرار دارد؛ به دلیل همین گستردگی و نبود امکانات وسیع تدارکاتی و نیروی انسانی کارآمد، امکان اجرای سرشماری اجتماعی - اقتصادی فراهم نبود بنابراین در مطالعه حاضر، جمع آوری اطلاعات از راه نمونه گیری صورت گرفت. در این راستا پس از انجام دادن مطالعات اولیه، مشاهده شد که می توان با به کارگیری روش نمونه گیری خوشه ای^۱، اطلاعات مورد نیاز را با حداقل هزینه به دست آورد. برای این کار نخست هر طایفه مستقل به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد، سپس با استفاده از آمار و ارقام اولیه استخراج شده از نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده استان که در زمینه تعداد دام، تعداد

1. Cluster Sampling

خانوار و جمعیت هر خانوار بود و همچنین با به کارگیری برنامه کامپیوتری Spsspc، شاخصهایی مانند تعداد خوشه‌های موجود در جامعه، تعداد خوشه‌های موجود در نمونه اولیه، تعداد عناصر در خوشه نام، تعداد عناصر در جامعه، متوسط اندازه خوشه جامعه، مقادیر کل مشاهدات در خوشه نام و تخمین میانگین نمونه اولیه محاسبه آنگاه واریانس نمونه اولیه برآورد شد؛ در نهایت با به کارگیری روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک^۱، خانوارهای نمونه انتخاب شدند. در این مطالعه ۱۹ شهرستان استان مورد بررسی قرار گرفت که در آنها عشایر به طور عمده در مناطق بیلاقی و قشلاقی استقرار دارند.

جدول شماره ۱. تعداد خانوار و جمعیت عشایر شهرستانهای استان به تفکیک دوره استقرار

شهرستان	دوره بیلاقی		دوره قشلاقی	
	خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت
اسفراین	۶۲۰	۳۹۲۳	۲۸۷	۱۷۵۸
بجنورد	۲۶۶	۱۷۶۸	۵۷۰	۳۴۸۶
بیرجند و نهبندان	۴۴۹۱	۲۳۱۱۰	۳۲۵۵	۱۶۵۶۶
تربت حیدریه و خواف	۵۸	۳۲۰	۵۸	۳۲۰
درگز	۷۹	۴۵۹	۱۷۳	۱۰۱۰
سیزو	۱۸۸	۹۷۸	۶۲	۳۵۸
شیروان	۱۶۸	۱۰۸۷	۱۸	۱۱۱
طبس	۵۳	۲۸۶	۳۰۱	۱۶۰۶
فردوس	۱۵۶	۷۹۶	۲۶۰	۱۸۳۰
قائنات	۶۴۵	۳۲۹۷	۸۹۴	۴۳۳۲
قوچان	۱۴۶۳	۹۳۳۶	۱۹	۱۱۶
کاشمر	۱۶۸	۸۰۶	۸۳	۴۷۳
کناپاد	۱۰	۵۴	-	-
مشهد، چناران و سرخس	۳۶۸	۲۴۳۴	۶۳۳	۳۹۶۱
نیشابور	۳۴۴	۱۹۸۹	-	-
تربت جام و تایباد	-	-	-	-

مأخذ: منبع شماره ۱۴

I. Systematic Sampling

به دلیل استقرار عشایر در دوره بیلاق و قشلاق در سطح استان، جمع آوری و تکمیل پرسشنامه در دو نوبت انجام گرفت. در مرحله نخست از طایفه‌هایی که در دوره بیلاق در سطح استان استقرار داشتند نمونه گرفته و پرسشنامه‌ها تکمیل شد و در مرحله دوم، از طایفه‌هایی که در مدت بیلاق در سطح استان استقرار نداشته ولی قشلاق را در این استان گذارنده‌اند آمارگیری انجام پذیرفت. به این ترتیب از هر ایل و طایفه مستقل نمونه‌هایی انتخاب شد که در این راستا با در نظر گرفتن تعداد ۱۸۳۱ پرسشنامه در سطح ۱۹ شهرستان استان برای دوره بیلاق و ۱۲۹ پرسشنامه در سطح ۴ شهرستان برای دوره قشلاق، در مجموع تعداد ۱۹۶۰ پرسشنامه به مناطق عشایری استان فرستاده شد. افزون بر این، اطلاعات کلی مورد نیاز در زمینه منطقه مطالعه شده، از سازمانهای مربوط جمع آوری شده است. یادآوری می‌شود، اطلاعات به کار رفته در این پژوهش به صورت مقطعی^۱ و به سال ۱۳۷۴ - ۷۵ عشایر خراسان ارتباط دارد.

نتایج و بحث

جامعه عشایری را بحق می‌توان از بزرگترین واحدهای تولید فراورده‌های دامی برشمرد که با تلاش شبانه‌روزی خود بخش بزرگی از نیازهای کشور را در زمینه تولیدات دامی فراهم می‌کنند. جمعیت عشایری منطقه برای تأمین معیشت و مخارج زندگی خود به پرورش دام، زراعت و باغداری و همچنین تولید صنایع دستی مشغولند که در بخشهای بعد به تشریح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۱. دامداری

بر اساس اطلاعات سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۶۶، مجموع دام بیلاق و قشلاق عشایری خراسان افزون بر ۱۹۱۰۰۰۰ رأس بوده که به ترتیب ۶۰ درصد آن مربوط به دوره بیلاق استان و باقیمانده نیز مربوط به دوره قشلاق استان است. این

1. Cross Section

تعداد دام نزدیک به ۱۲/۲ درصد دام موجود در منطقه در بر می‌گیرد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. تعداد و انواع دامهای استان خراسان

استان	گوسفند	بز	گاو وگوساله	شتر	سایر	جمع
استان	۱۰۶۴۶۳۲۰	۳۹۶۲۸۰۷	۶۳۹۷۳۴	۴۰۲۲۳	۳۴۲۴۱۷	۱۵۶۳۱۵۰۱

مأخذ: منبع شماره ۱۵

یادآوری می‌شود ۴۸ درصد دام عشایر خراسان را میش در بر می‌گیرد و ۱/۲ درصد آن قوچ، ۲۰/۸ درصد آن بره، ۱۹ درصد آن بز، ۹/۶ درصد آن بزغاله، ۵/۰ درصد آن شتر و ۹/۰ درصد آن اسب، الاغ و قاطر است و همان گونه که مشاهده می‌شود ۱/۴ درصد از دامهای عشایر را دام بزرگ (شتر، بچه شتر، اسب، الاغ و قاطر) و ۹۸/۶ درصد را دامهای کوچک همچون گوسفند، بره، بز و بزغاله تشکیل می‌دهد. این گوناگونی دام افزون بر نیاز بیشتر بر گرفته از تنوع پوشش گیاهی مراتع بوده که شرایط سازگاری زیستمحیطی را برای انواع حیوانات اهلی فراهم کرده است. بر پایه اطلاعات جمع‌آوری شده از عشایر نمونه خراسان، مقدار میانگین دام برای هر خانوار عشایر نمونه در بیلاق ۱۷۲ رأس و در قشلاق ۱۳۲ رأس بوده است. بر همین اساس با در نظر گرفتن ترکیب گله عشایر می‌توان به برتری پرورش گوسفند نسبت به دیگر دامها پی برد. دلیل این موضوع نخست مربوط به اهمیت گوشت آن می‌شود که مورد تغذیه بیشتر اهالی و ساکنان استان قرار دارد؛ دوم به سازگاری این حیوان با پوشش گیاهی مراتع منطقه و نیز بهره‌برداری از دیگر تولیدات فرعی دامی ارتباط دارد.

با توجه به وضعیت جغرافیایی استان چون در مناطق جنوبی تر هوا گرمتر و پوشش گیاهی تنک تر و خشن تر است، بز که سازگاری فراوانتری با این گونه آب و هوا دارد، بیشتر از مناطق شمالی پرورش داده می‌شود به طوری که در مناطق بیلاق استان، بز و بزغاله ۲۴/۶ درصد ترکیب گله را در بر می‌گیرد در حالی که این رقم در مناطق قشلاقی و نواحی جنوبی استان افزایش یافته

به ۳۴/۴ درصد می‌رسد؛ افزون بر این در مناطق جنوبی استان، شتر در ترکیب گله فزونی می‌یابد. یا بررسی نتایج پیشگفته، این فرض که ترکیب گله عشایر در مناطق شمال و جنوبی متفاوت است، پذیرفته می‌شود.

در جدول شماره ۳ سهم گوسفند و بز از کل تعداد دام عشایر در دو آمارگیری سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۶ همچنین سهم این ترکیب از تعداد دام خانوارهای نمونه عشایر در بررسی کنونی منطقه، نشان داده شده است. همان طور که از جدول شماره ۳ پیداست، در آمارگیری سال ۱۳۶۲ سهم بز در گله‌های عشایری برابر ۱۷/۳ درصد و سهم گوسفند ۸۰/۷ درصد بوده که این دو نسبت در سرشماری سال ۱۳۶۶ به ترتیب برای بز افزایش و برای گوسفند کاهش یافته و به ۲۸/۶ و ۷۰ درصد رسیده است. همچنین در آمار و اطلاعات خانوارهای نمونه عشایر نسبت تعداد گوسفند و بز به ترتیب برابر ۷۶ و ۲۲/۱ درصد بوده؛ پس این فرض که ترکیب گله عشایر نسبت به سالهای گذشته تغییر یافته است پذیرفته می‌شود بنابراین تغییر پیشگفته در راستای افزایش سهم بز در ترکیب گله بوده است و چنانچه تخریب مراتع در مقیاس سالهای اخیر ادامه یابد، الگوی رمه‌داری عشایر منطقه در جهت افزایش تعداد بز در ترکیب گله، باز هم دگرگون خواهد شد. افزون بر این، بررسیهای انجام شده در خانوار نمونه عشایر منطقه نشان می‌دهد که تعداد بز در گله‌های خانوارهای فقیر عشایری بیشتر از تعداد این نوع دام در ترکیب گله خانوارهای نیمه مرفه و مرفه است، به گونه‌ای که حیوان یاد شده ۳۱ درصد دام خانوارهایی را تشکیل می‌دهد که بین صفر تا ۴۰ رأس دام داشته‌اند. درصد پیشگفته در خانوارهایی که بین ۴۱ تا ۱۰۰ و بالای ۱۰۱ رأس دام داشته‌اند به ترتیب برابر ۱۹ و ۱۱ درصد بوده است، بنابراین، فرض کمتر بودن سهم بز در ترکیب گله خانوارهای مرفه عشایری نسبت به دیگر خانوارها، پذیرفته می‌شود.

جدول شماره ۳. ترکیب دام عشایر خراسان براساس آمارگیریهای مختلف

منابع آماری	گوسفند و بره		بز و بزغاله		شتر		سایر		جمع	
	تعداد رأس	درصد	تعداد رأس	درصد	تعداد رأس	درصد	تعداد رأس	درصد	تعداد رأس	درصد
آمارگیری سال ۱۳۶۲	۸۷۲۱۱۹	۸۰/۷	۱۸۶۸۷۷	۱۷/۳	۶۱۴۱	۰/۶	۱۵۴۱۳	۱/۴	۱۰۸۰۵۵۰	۱۰۰
آمارگیری سال ۱۳۶۶	۱۳۳۸۲۷۳	۷۰	۵۴۶۲۴۱	۲۸/۶	۱۰۵۲۲	۰/۵	۱۷۲۸۱	۰/۹	۱۹۱۲۳۳۷	۱۰۰
خانوارهای نمونه	۲۵۲۲۹۱	۷۶	۷۳۳۶۳	۲۲/۱	۲۹۸۸	۰/۹	۳۳۲۰	۱	۳۳۱۹۶۲	۱۰۰

مقایسه تعداد دام عشایر کشور با دام عشایری استان خراسان نشان می‌دهد؛ با توجه به درصد کم جمعیت عشایر استان نسبت به عشایر کشور که نزدیک به ۵ درصد خانوارهای عشایری کشور است؛ دامهای عشایر استان حدود ۷/۹ درصد از گوسفند و بره، ۳/۳ درصد از بز و بزغاله، ۰/۵ درصد از گاو و گوساله و ۱۶/۹ درصد از شتر و بچه شتر دامهای عشایری کشور را تشکیل داده است. پس می‌توان گفت، این فرض که عشایر استان سهم ناچیزی از دام عشایری کشور را به خود اختصاص داده‌اند پذیرفتنی نیست.

۱.۱. فراورده‌های دامی

عشایر خراسان افزون بر تولید گوشت قرمز که مهمترین عامل پرورش دام است، محصولات دیگری را همچون: شیر، پشم، کره، پنیر و کشک و قره‌قوروت، مو و کرک تولید می‌کنند. گوشت، عمده‌ترین فراورده عشایر به شمار می‌آید و در این راستا به طور معمول دامها زنده به فروش می‌رسند. ولی پشم آنها در مدت پرورش چیده و فروخته می‌شود یا برای ساخت صنایع دستی به کار می‌رود. بررسی اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایر منطقه نشان می‌دهد که این خانوارها به طور متوسط ۱۵/۴ درصد دام خود را به فروش می‌رسانند که این مقدار به طور میانگین در برگیرنده ۱۰ درصد میش، ۱۲ درصد قوچ، ۳۲/۸ درصد بره،

۱۱/۹ درصد بزغاله و ۹ درصد شتر است. پایین بودن درصد فروش در خانوارهای نمونه عشایری نسبت به دیگر بهره‌بردارهای دامی، می‌تواند برخاسته از ضعف مدیریتی در دامداری عشایری، پایین بودن درصد زایش، احتمال وجود بیماریهای دامی و بره‌اندازی، توجه نکردن به مسائل پهنژادی دام و فقر مراتع و سوء تغذیه باشد. در این راستا با در نظر گرفتن متوسط قیمت فروش هر رأس میش برابر ۲۰۰/۰۰۰ ریال، قوچ برابر ۳۱۰۰۰۰ ریال، بره ۱۴۵۰۰۰ ریال، بز ۱۲۰۰۰۰ ریال، بزغاله ۸۰۰۰۰ ریال و شتر ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، درآمد به دست آمده از فروش دام در خانوارهای نمونه عشایر، ۱۰۸۲۴۵۵۰ هزار ریال برآورد می‌شود (جدول شماره ۴). گفتن این نکته ضروری است که در برآورد درآمد یاد شده، مقدار متوسط قیمت هر نفر شتر به مراتب کمتر از قیمت هر نفر شتر داشتی منظور شده است. با تعمیم نتایج پیشگفته به کل عشایر خراسان، دیده می‌شود که عشایر، به طور تقریبی تعداد ۲۷۸۵۷۳ رأس دام خود را می‌فروشند که از این مقدار ۸/۸ درصد به فروش گوسفند و بره، ۱۸/۹ درصد به فروش بز و بزغاله و باقیانده نیز به فروش شتر مربوط می‌شود. با به حساب آوردن متوسط قیمت هر رأس دام به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایر مشاهده می‌شود که ۵۳۰۵۴۹۵۰ هزار ریال درآمد از فروش دام عشایر خراسان به دست می‌آید (جدول شماره ۵) که از این مقدار ۳۴/۶ درصد آن به فروش میش مربوط بوده و همچنین ۱/۶ درصد به فروش قوچ، ۳۵/۶ درصد به فروش بره، ۷ درصد به فروش بز، ۳/۳ درصد به فروش بزغاله و ۱۷/۹ درصد به فروش شتر ارتباط داشته است. همان گونه که دیده می‌شود افزون بر ۷۱/۸ درصد این درآمد را فروش گوسفند و بره در بر گرفته و ۱۰/۳ درصد آن به فروش بز و بزغاله و باقیانده نیز به فروش شتر مربوط بوده است.

جدول شماره ۴. وضعیت فروش دام در خانوارهای نمونه عشایر خراسان

شرح	میش	قوچ	بره	جمع گوسفند و بره	بز	بزغاله	جمع بز و بزغاله	شتر	جمع
تعداد کل دام	۱۶۵۷۵۵	۴۳۷	۸۲۴۹۸	۲۵۲۲۹۱	۶۹۹۱۵	۲۲۴۸	۷۲۳۶۳	۲۹۸۸	۲۲۸۶۲۲
تعداد فروخته شده	۱۶۵۷۵	۲۸۴	۲۷۰۵۹	۴۲۱۱۸	۵۹۴۳	۴۱۰	۶۳۵۳	۲۶۹	۵۷۴
درصد فروخته شده	۱۰	۱۲	۳۲/۸	۱۷/۵	۸/۵	۱۱/۹	۸/۷	۹	۱۵/۴
متوسط قیمت فروش هر رأس (ریال)	۲۰۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	-	۱۲۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	-	-	-
درآمد به دست آمده از فروش (هزار ریال)	۳۳۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۴۰	۳۹۲۳۵۰۰	۷۳۸۸۵۹۰	۷۱۳۱۶۰	۲۲۸۰۰	۷۴۵۹۶۰	۲۶۹۰۰۰۰	۱۰۸۲۴۵۰۰

مأخذ: داده‌های بررسی

جدول شماره ۵. وضعیت فروش دام عشایر خراسان

شرح	میش	قوچ	بره	جمع گوسفند و بره	بز	بزغاله	جمع بز و بزغاله	شتر	جمع
تعداد کل دام	۹۱۷۷۵۹	۲۲۸۴۸	۳۹۷۶۶۶	۱۳۳۸۲۷۳	۳۶۲۶۵۷	۱۸۳۵۸۴	۵۴۶۲۴۱	۱۰۵۴۲	۱۸۱۵۰۵۶
تعداد فروخته شده	۹۱۷۷۶	۲۷۴۲	۱۳۰۴۳۴	۲۲۴۹۵۲	۳۰۸۲۶	۲۱۸۴۶	۵۲۶۷۲	۹۴۹	۲۷۸۵۷۳
درصد فروخته شده	۱۰	۱۲	۳۲/۸	۱۶/۸	۸/۵	۱۱/۹	۹/۶	۹	۱۴/۷
متوسط قیمت فروش هر رأس (ریال)	۲۰۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	-	۱۲۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	-	-	-
درآمد به دست آمده از فروش (هزار ریال)	۱۸۳۵۵۲۰۰	۸۵۰۰۰۲۰	۱۸۹۱۲۹۳۰	۲۸۱۱۸۱۵۰	۳۶۹۹۱۲۰	۱۷۴۷۶۸۰	۵۴۴۶۸۰۰	۹۴۹۰۰۰۰	۵۲۰۵۴۹۵۰

مأخذ: داده‌های بررسی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایری منطقه، مقدار متوسط تولید پشم سالانه هر رأس میش حدود ۲/۵ کیلو، هر رأس قوچ ۳ کیلو و هر رأس بره ۱ کیلوگرم است که با در نظر گرفتن ۱۳۳۸۲۷۳ رأس گوسفند و بره عشایری منطقه، ۲۷۶۰ تن پشم گوسفند

به وسیله عشایر خراسان تولید می‌شود که از این مقدار افزون بر $۸۳/۱$ درصد آن پشم میش، $۲/۵$ درصد پشم قوچ و باقیمانده ($۱۴/۴$ درصد) پشم بره بوده است (جدول شماره ۶). همچنین مقدار متوسط تولید پشم سالانه هر نفر شتر نزدیک به $۲/۵$ کیلوگرم است که با در نظر گرفتن ۱۰۵۴۲ نفر شتر عشایر منطقه حدود ۲۶ تن پشم شتر به وسیله عشایر تولید می‌شود و بدین ترتیب نزدیک به ۲۷۸۶ تن پشم گوسفند و شتر در سال تولید می‌شود که با در نظر گرفتن ۹۰۷۷ خانوار عشایری منطقه به طور متوسط تولید پشم سالانه هر خانوار عشایری به ۳۰۷ کیلوگرم می‌رسد. همچنین با در نظر گرفتن متوسط قیمت هر کیلو پشم گوسفند ۴۰۰۰ ریال و پشم شتر ۲۰۰۰ ریال، ارزش تولید پشم به ۱۱۰۹۲۰۰ هزار ریال می‌رسد که $۹۹/۵$ درصد آن مربوط به پشم گوسفند و باقیمانده نیز مربوط به پشم شتر است. افزون بر این، عشایر خراسان به تولید مو و کرک نیز می‌پردازند. مقدار متوسط تولید مو هر رأس بز یک کیلو و کرک ۱۵۰ گرم است که با در نظر گرفتن ۳۶۲۶۵۷ رأس بز عشایر منطقه، ۳۶۲ تن مو و ۵۴ تن کرک به وسیله عشایر خراسان تولید می‌شود. بر همین اساس با در نظر گرفتن متوسط قیمت هر کیلو مو ۲۵۰۰ ریال و کرک ۳۰۰۰۰ ریال، ارزش تولید مو و کرک تولید شده از سوی عشایر خراسان به ۲۵۲۷۵۰۰ هزار ریال می‌رسد که $۳۵/۹$ درصد آن مربوط به مو و $۶۴/۱$ درصد آن مربوط به ارزش کرک است (جدول شماره ۷). در این راستا مقدار متوسط تولید مو و کرک هر خانوار عشایری، نزدیک به ۴۶ کیلو برآورد می‌شود.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از عشایر نمونه منطقه، متوسط تولید شیر هر رأس میش و بز در یکسال ۲۱ کیلوگرم است. بدین ترتیب عشایر خراسان حدود ۲۶۸۸۹ تن شیر در سال تولید می‌کنند که افزون بر $۷۱/۶$ درصد آن را شیر گوسفند و $۲۸/۴$ درصد آن را شیر بز در بر می‌گیرد که با در نظر گرفتن متوسط قیمت ۵۰۰ ریال برای هر کیلو، ارزش تولید شیر به ۱۳۴۴۴۵۰۰ هزار ریال می‌رسد. در ضمن گفتنی است، عشایر منطقه از شیر مشتقاتی به دست می‌آورند که سبب پدید آمدن ارزش افزوده می‌شود. بر پایه آمار و اطلاعات موجود، عشایر خراسان ۷۲۶ تن کره، ۵۰ تن پنیر، ۶۶ تن کشک و ۸ تن قره‌قوروت تولید می‌کنند که بخش عمده

آن به مصرف خانوار می‌رسد. ارزش تولید محصولات پیشگفته، به ۱۱۳۴۶۰۰۰ هزار ریال می‌رسد که ۹۶ درصد آن به تولید کره ارتباط دارد و ۲/۲ درصد به تولید پنیر و باقیانده نیز به تولید کشک و قره‌قروت مربوط می‌شود. بدین ترتیب کل درآمد سالانه عشایر خراسان، ۸۰۱۱۸۹۵۰ هزار ریال برآورد می‌شود که از این مقدار ۶۶/۲ درصد را فروش دام در بر می‌گیرد و همچنین ۱۳/۸ درصد تولید پشم، ۱۶/۸ درصد تولید شیر، ۱/۱ درصد تولید مو و ۲/۱ درصد تولید کرک است.

جدول شماره ۶. تولیدات دامی عشایر خراسان

شرح	میش	قوچ	بره	بز	بزغاله	شتر و بجه شتر	جمع
تعداد کل	۹۱۷۷۵۹	۲۲۸۴۸	۴۹۷۶۶۶	۳۶۲۶۵۷	۱۸۳۵۸۲	۱۰۵۴۲	-
مقدار تولید شیر هر رأس (کیلوگرم)	۲۱	-	-	۲۱	-	-	-
مقدار تولید پشم هر رأس (کیلوگرم)	۲۵	۳	۱	-	-	۲/۵	-
مقدار تولید مو هر رأس (کیلوگرم)	-	-	-	۱	-	-	-
مقدار تولید کرک هر رأس (گرم)	-	-	-	۱۵۰	-	-	-
کل تولید شیر (تن)	۱۹۲۷۳	-	-	۷۶۱۶	-	-	۲۶۸۸۹
کل تولید پشم (تن)	۲۲۹۴	۶۸	۳۹۸	-	-	۲۶	۲۷۸۶
کل تولید مو (تن)	-	-	-	۳۶۳	-	-	۳۶۳
کل تولید کرک (تن)	-	-	-	۵۴	-	-	۵۴

مأخذ: داده‌های بررسی

جدول شماره ۷. ارزش تولیدات دامی، عشایر خراسان

شرح	پشم گوسفندوبز	شیر	مو	کرک	پشم شتر	جمع
کل تولید عشایر خراسان (تن)	۲۷۶۰	۲۶۸۸۹	۳۶۳	۵۴	۲۶	-
متوسط قیمت هر کیلو (ریال)	۴۰۰۰	۵۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰۰	۲۰۰۰	-
ارزش تولید (هزار ریال)	۱۱۰۴۰۰۰	۱۳۳۲۴۵۰	۹۰۷۵۰۰	۱۶۲۰۰۰	۵۲۰۰۰	۲۷۰۶۲۰۰۰

مأخذ: داده‌های بررسی

۲.۱. ویژگی‌های دامداری عشایری

بارزترین ویژگی دامداری عشایری، پیروی از طبیعت است و بر پایه چنین الزامی است که کوچ ضرورت پیدا می‌کند. در این راستا می‌توان گفت، اساس شیوه دامداری کوچ‌نشینان منطقه را استفاده از مراتع آب و هوای گرمسیری نواحی پست و بهره‌گیری از هوای معتدل بیلاقی، آب و علوفه مراتع مرتفع و کوهستانی تشکیل می‌دهد. در رمه‌داری عشایری برخلاف دیگر شکل‌های دامداری، سنت پرواربندی و عرضه بموقع دام به بازار، رایج نیست. برده‌ها و بزغاله‌ها در سنین پایین و به طور معمول در بیلاقی به فروش می‌رسند. با توجه به اینکه تکیه‌گاه اصلی رمه‌داری استفاده از علوفه مراتع است، چنانچه به جز دوره محدودی از سال، کمبود علوفه مرتعی سبب افزایش تعلیف دستی شود، نظام رمه‌داری دچار اختلالات بنیادین خواهد شد. در شیوه رمه‌داری عشایری، از نیروی انسانی موجود خانوار، برای حفظ و نگهداری دام بهره‌گیری می‌شود و در شرایط اضطراری نیز از افراد خانوارهای دیگر که به طور عمده از خویشاوندان و بستگان نزدیک به شمار می‌آیند، کمک گرفته می‌شود. شکل غالب و رایج مالکیت دام، از نوع مالکیت خانوادگی است و در این شیوه، درآمد به دست آمده از دام نیز در راستای فراهم کردن نیازهای روزمره خانوار صرف می‌شود. بر همین اساس آن گروه از خانوارهایی که نیروی انسانی بیشتری در اختیار دارند و تعداد دام آنها کم است؛ از دام دیگران در برابر دریافت مزد نگهداری می‌کنند. در شرایط کنونی، دو گروه از خانوارها نیروی چوپان را برای نگهداری دامها به کار می‌برند: نخست خانوارهای کوچنده‌ای که با کمبود نیروی انسانی روبه‌رویند؛ دوم

خانوارهای اسکان یافته‌ای که دام خود را به خانوارهای کوچرو واگذار می‌کنند؛ این خانوارها برای نگهداری دام، به طور معمول چوپان‌هایی را به خدمت می‌گیرند و به آنها دستمزد پرداخت می‌کنند که بیشتر، از اقوام و خویشاوندانشان به شمار می‌آیند.

نتایج به دست آمده از بررسی‌های انجام شده بر روی عشایر نمونه خراسان نشان می‌دهد که عشایر منطقه توانایی ندارند دام خویش را تنها به وسیله چرا در مراتع تعلیف کنند بلکه از راه‌های دیگر نیز اقدام به خرید علوفه می‌کنند و در این راستا می‌توان گفت، عمده‌ترین خوراک دام عشایر به ترتیب، اهمیت مرتع، علف پس چر، تفاله چغندر قند، کاد و جو، سبوس و کنسانتره به شمار می‌آید که البته عشایر در درجه نخست از مراتع استفاده می‌کنند و در مرحله بعد با خریداری کردن علوفه و تفاله چغندر قند از کارخانه‌های قند و همچنین ته چر غلات، دامهای خود را تعلیف می‌کنند و این امر تأییدی است بر این واقعیت که مراتع کنونی برای تعلیف دام منطقه بسنده نیست.

۳.۱. محاسبه هزینه‌های نگهداری هر رأس دام عشایری

بر اساس نتایج به دست آمده از عشایر نمونه خراسان، هزینه نگهداری هر رأس گوسفند و بره و بز و بزغاله در سال، به طور جداگانه در جدول شماره ۸ آورده شده است. به طوری که از جدول مشاهده می‌شود؛ به طور متوسط هر رأس گوسفند و بره و هر رأس بز و بزغاله عشایر به ترتیب هزینه‌ای برابر ۳۲۶۰۰ و ۲۳۶۰۰ ریال در بر دارد و مهمترین اقلام تشکیل دهنده این هزینه‌ها، مربوط به تعلیف دستی و هزینه چوپان است.

بر همین اساس می‌توان گفت درباره گوسفند و بره این فرض که عمده‌ترین قلم تشکیل دهنده هزینه نگهداری دام عشایری، هزینه تعلیف دستی به شمار می‌آید، پذیرفتنی است، ولی فرض پیشگفته برای بز و بزغاله رد می‌شود. همچنین بر پایه جدول شماره ۸ که هزینه نگهداری هر رأس بز برابر ۷۲/۴ درصد هزینه نگهداری هر رأس گوسفند است و در نتیجه فرض کمتر بودن هزینه سالانه نگهداری هر رأس بز از هزینه سالانه نگهداری هر رأس گوسفند، پذیرفتنی است.

جدول شماره ۸. هزینه‌های نگهداری هر رأس گوسفند و بره و بز و بزغاله در یکسال

بز و بزغاله		گوسفند و بره		نوع دام	نوع هزینه
درصد	ریال	درصد	ریال		
۲۸/۱	۹۰۰۰	۵۵/۲	۱۸۰۰۰		تعایف دستی
۵۰/۹	۱۲۰۰۰	۳۶/۸	۱۲۰۰۰		چوبان
۱/۳	۳۰۰	۰/۹	۳۰۰		دارو
۲/۲	۱۰۰۰	۳/۱	۱۰۰۰		حمل و نقل
۱/۳	۳۰۰	۰/۹	۳۰۰		ته‌چر
۴/۲	۱۰۰۰	۳/۱	۱۰۰۰		متفرقه
۱۰۰	۲۳۶۰۰	۱۰۰	۳۲۶۰۰		جمع

مأخذ: داده‌های بررسی

۴.۱. محاسبه سود به دست آمده از پرورش هر رأس دام عشایری

برای محاسبه سود به دست آمده از پرورش دام به وسیله عشایر، موضوع در چارچوب یک گله ۲۵۰ رأسی بررسی می‌شود. به طور متوسط ۷۵ درصد یک گله ۲۵۰ رأسی در برگیرنده گوسفند و بره عشایری را، میش تشکیل می‌دهد که در گله پیشگفته، با در نظر گرفتن ۷۵ درصد، به عنوان درصد زایش در این تعداد میش، ۱۴۱ رأس گوسفند و بره در سال تولید می‌شود که به جز نزدیک به ۵۰ درصد این تعداد دام که ماده بوده و در خور فروش نیستند، باقیانده آنها فروخته می‌شود، در این راستا با به حساب آوردن متوسط قیمت هر رأس بره برابر ۱۴۵۰۰۰ ریال، درآمد به دست آمده از فروش بره در گله یاد شده، نزدیک به ۱۰۱۵۰۰۰۰ ریال برآورد می‌شود. افزون بر این، عمر اقتصادی هر رأس میش در گله عشایر حدود ۵ سال است که پس از آن باید جایگزین شود. بدین ترتیب هر سال ۳۷ رأس از میشهای گله به فروش می‌رسد که با به حساب آوردن متوسط قیمت هر رأس میش برابر ۲۰۰۰۰۰ ریال، درآمد به دست آمده از فروش میش در گله یاد شده، نزدیک به ۷۴۰۰۰۰۰ ریال در سال برآورد می‌شود. گفتنی است که در یک

گله ۲۵۰ رأسی، به طور متوسط حدود ۶ رأس قوچ نگهداری می شود (یعنی به ازای هر ۳۰ رأس میش یک قوچ) که با در نظر گرفتن عمر اقتصادی هر رأس قوچ در حدود ۴ سال، در هر سال ۲ رأس قوچ جایگزین می شود، همچنین با به حساب آوردن متوسط قیمت هر رأس قوچ برابر ۳۱۰۰۰۰ ریال، درآمد به دست آمده از فروش قوچ، ۶۲۰۰۰۰ ریال در سال و سرانجام کل درآمد حاصل از فروش گوسفند و بره در یک گله ۲۵۰ رأسی نزدیک به ۱۸۱۷۰۰۰۰ ریال برآورد می شود که از این مقدار ۵۵/۹ درصد به فروش بره، ۴۰/۷ درصد به فروش میش و باقیانده نیز به فروش قوچ مربوط می شود. همان گونه که پیش از این اشاره شد؛ هزینه نگهداری هر رأس گوسفند و بره به ۸۱۵۰۰۰۰ ریال در سال می رسد. بدین ترتیب سود به دست آمده از فروش دام در این گله از تفاضل درآمد حاصل از فروش دام و هزینه های نگهداری دام به دست می آید که رقمی در حدود ۱۰۰۲۰۰۰۰ ریال در سال است و بدین روش سود سالانه حاصل از هر رأس گوسفند داشتنی نیز به طور متوسط ۴۰۰۸۰ ریال برآورد می شود. بر همین اساس با به حساب آوردن متوسط تولید پشم و شیر هر رأس گوسفند و بره به ترتیب برابر ۲/۲ و ۲۱ کیلوگرم در سال، و همچنین با در نظر گرفتن متوسط قیمت هر کیلو پشم برابر ۴۰۰۰ ریال و هر کیلو شیر ۵۰۰ ریال، نزدیک به ۱۹۳۰۰ ریال سود از تولید پشم و شیر هر رأس گوسفند به دست می آید که ۵۴/۴ درصد آن را تولید شیر و باقیانده را تولید پشم در بر می گیرد. بدین ترتیب کل سود حاصل از نگهداری هر رأس گوسفند و بره ۵۹۳۸۰ ریال در سال برآورد می شود که ۶۷/۵ درصد آن از فروش دام و ۱۴/۸ درصد از تولید پشم و ۱۷/۷ درصد از تولید شیر به دست می آید.

همان طور که پیش از این نیز اشاره شد؛ نزدیک به ۲۴/۶ درصد از ترکیب گله عشایر در شمال استان و ۳۴/۴ درصد در جنوب استان را بز و بزغاله تشکیل می دهد. با تعمیم نتایج گفته شده درباره گوسفند و بره به این بخش، مشاهده می شود که عشایر در حدود ۱۰۷ رأس از بز گله ۲۵۰ رأسی خود را در هر سال به فروش می رسانند که با به حساب آوردن متوسط قیمت هر رأس بز برابر ۱۲۰۰۰۰ ریال، درآمد به دست آمده از فروش بز در این گله نزدیک به ۱۲۸۴۰۰۰۰

ریال برآورد می‌شود. بر همین اساس هزینه سالانه نگهداری هر رأس بز و بزغاله به طور متوسط ۲۳۶۰۰ ریال در سال است که بدین ترتیب کل هزینه نگهداری یک گله ۲۵۰ رأسی بز و بزغاله به ۵۹۰۰۰۰۰۰ ریال در سال می‌رسد. بنابراین سود به دست آمده از فروش بز در این گله، رقمی در حدود ۶۹۴۰۰۰۰۰ ریال در سال است و سود حاصل از فروش هر رأس بز در سال به طور متوسط ۲۷۷۶۰ ریال برآورد می‌شود. با به حساب آوردن متوسط تولید شیر، مو و کرک هر رأس بز به ترتیب برابر ۲۱ کیلوگرم، ۱ کیلوگرم و ۱۵۰ گرم در سال و همچنین با در نظر گرفتن متوسط قیمت هر کیلو شیر برابر ۵۰۰ ریال، مو ۲۵۰۰ ریال و کرک ۳۰۰۰۰ ریال، نزدیک به ۱۷۵۰۰ ریال سود از تولید شیر، مو و کرک هر رأس بز به دست می‌آید که از این مقدار ۶۰ درصد تولید شیر، ۱۴/۳ درصد تولید مو و ۲۵/۷ درصد تولید کرک است. بنابراین سود به دست آمده از نگهداری هر رأس بز در سال، برابر ۴۵۲۶۰ ریال برآورد می‌شود که از این مقدار ۶۱/۳ درصد از فروش دام حاصل می‌شود و همچنین ۲۳/۲ درصد از تولید شیر، ۵/۵ درصد از تولید مو و ۱۰ درصد از تولید کرک به دست می‌آید.

با مقایسه سود حاصل از نگهداری هر رأس گوسفند و هر رأس بز مشاهده می‌شود که سود سالانه پرورش بز به طور تقریبی ۷۶/۲ درصد سود سالانه پرورش گوسفند است، پس می‌توان گفت این فرض که پرورش هر رأس گوسفند درآمد سالانه بیشتری نسبت به درآمد سالانه پرورش هر رأس بز دارد؛ پذیرفتنی است.

برای محاسبه سود به دست آمده از پرورش و نگهداری شتر، موضوع در چارچوب یک گله ۱۰۰ نفره شتر بررسی می‌شود. به طور متوسط یک گله ۱۰۰ نفره شتر عشایری، در برگیرنده ۸۶ درصد شتر ماده و ۳ درصد لوک نابالغ و ۱۱ درصد لوک بالغ است. از این ۸۶ شتر ماده، ۶۰ درصد را شتر ماده بالغ آماده لوک‌گیری (یعنی ۵۲ شتر) تشکیل می‌دهد. با در نظر گرفتن ۵۰ درصد به عنوان درصد زایش و باروری در این تعداد شتر ماده، نزدیک به ۲۶ شتر بارور می‌شوند و با به حساب آوردن زایش ۲ بچه شتر در طی ۳ سال، از این ۲۶ نفر شتر به طور متوسط در هر سال ۱۸ بچه شتر در گله یاد شده به دست می‌آید که نزدیک به ۵۰ درصدشان شتر

ماده بوده و فروختنی نیستند (زیرا برای جانشینی نگهداری می شوند) ولی باقیمانده آنها فروخته می شود (حدود ۱۰ شتر). در این راستا با به حساب آوردن متوسط قیمت هر شتر برابر ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، درآمد به دست آمده از فروش شتر در این گله ۱۰۰ نفری نزدیک به ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال برآورد می شود. گفتنی است عشایر برای پرورش و نگهداری شتر، هزینه خاصی را متحمل نمی شوند، بنابراین کل درآمد حاصل از فروش شتر به عنوان سود خالص آن به شمار می آید و در نتیجه سود به دست آمده از نگهداری شتر در گله یاد شده به طور متوسط به ازای هر شتر ۱۰۰۰۰۰۰ ریال در سال برآورد می شود. افزون بر این از هر شتر به طور متوسط در یکسال ۲/۵ کیلوگرم پشم چیده می شود که با به حساب آوردن قیمت هر کیلو پشم شتر برابر ۲۰۰۰ ریال، ارزش پشم تولید شده هر شتر ۵۰۰۰ ریال و سرانجام سود به دست آمده از پرورش هر شتر به طور متوسط ۱۰۵۰۰۰ ریال در سال برآورد می شود که ۹۵/۲ درصد آن را فروش شتر و باقیمانده را تولید پشم در بر می گیرد.

بر اساس نتایج به دست آمده از سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۶۶، متوسط تعداد گوسفند و بره هر خانوار عشایری در دوره بیلاق ۹۳ رأس، متوسط بز و بزغاله ۳۱ رأس و متوسط شتر ۶۴/۰ نفر شتر است که با به حساب آوردن سود خالص سالانه هر رأس گوسفند و بره برابر ۵۹۳۸۰ ریال، بز و بزغاله ۴۵۲۶۰ ریال و هر نفر شتر ۱۰۵۰۰۰ ریال، درآمد سالانه هر خانوار عشایری در دوره بیلاق به طور متوسط ۶۹۹۲۶۰۰ ریال برآورد می شود که از این مقدار ۷۹ درصد به پرورش گوسفند و بره ارتباط دارد و ۲۰ درصد به پرورش بز و بزغاله و یک درصد به پرورش شتر مربوط می شود. همچنین متوسط تعداد گوسفند و بره هر خانوار عشایری در دوره قشلاق ۷۴ رأس، متوسط بز و بزغاله ۴۰ رأس و متوسط شتر ۷/۰ نفر است که بدین ترتیب با پرشردن سود به دست آمده از پرورش هر رأس دام عشایری، درآمد سالانه هر خانوار عشایری در دوره قشلاق به طور متوسط ۶۲۷۸۰۲۰ ریال برآورد می شود که ۷۰ درصد آن به پرورش گوسفند و بره، ۲۸/۸ درصد به پرورش بز و بزغاله و ۱/۲ درصد به پرورش شتر مربوط است.

۵.۱. کاهش وزن دام

آمار و اطلاعات جمع آوری شده از عشایر نمونه خراسان نشان می دهد؛ حداقل مسیر کوچ عشایر ۲۰ کیلومتر و حداکثر آن ۴۰۰ کیلومتر بوده است و همچنین نزدیک به ۵۰ تا ۷۰ روز از زندگی عشایر منطقه در ایل راهها و کوچ می گذرد که این موضوع هم اکنون یکی از دشوارترین و مشکل سازترین مسائل زندگی عشایر به شمار می آید. در همین راستا عواملی مانند: سخت شدن کوچ همراه با ناهماهنگی در نظام کوچ، زیرکشت رفتن مراتع و نبود قانونی درست برای نظارت و مراقبت در این مورد، ضعف توان مالی عشایر، رقابت در کوچ، از میان رفتن مراتع میانیند، رقابت در استفاده از مراتع با روستاییان و مسائل امنیتی در کوچ و موارد دیگر باعث شده است تا کوچ یکی از دشوارترین مراحل زندگی عشایر به شمار آید.

در این پژوهش با پرسش از عشایر نمونه خراسان در زمینه متوسط کاهش وزن دام در اثر کوچ، به بررسی اقتصادی کاهش وزن دام در کوچ پرداخته شده است. همان گونه که از جدول شماره ۹ پیداست، متوسط کاهش وزن هر دام در کوچ بهاره و پاییزه به تفکیک برابر ۳/۴ کیلوگرم است که با در نظر گرفتن این مقدار، مشاهده می شود وزن دام در مجموع نزدیک به ۶۴۰۷۳۴۸ کیلوگرم کاهش می یابد که ۵۹/۷ درصد آن به کوچ بهاره و ۴۰/۳ درصد به کوچ پاییزه مربوط است.

با در نظر گرفتن نیمی از این کاهش وزن به عنوان گوشت قابل استفاده، دیده می شود که به طور متوسط ۱۲۹۲۲۹۲ کیلوگرم گوشت قابل استفاده از دست می رود و در این راستا با به حساب آوردن قیمت هر کیلو گوشت گوسفند برابر ۹۰۰۰ ریال و گوشت بز برابر ۶۵۰۰ ریال، ارزش ریالی زیان برخاسته از کاهش وزن دام عشایر به ۲۶۵۱۱۵۳۴۰۰۰ ریال می رسد که افزون بر ۶۰/۳ درصد آن به کوچ بهاره و باقی مانده به کوچ پاییزه مربوط می شود. در ضمن این کاهش وزن، ضعف دامها و کاهش باروری را نیز در پی دارد که بر همین اساس دام برای بازسازی و جبران وزن از دست رفته به علوفه بیشتری نیاز پیدا می کند و این امر سبب وارد آمدن فشار بیشتر بر مراتع می شود و در صورت امکان تأمین علوفه، هزینه تولید را بالا می برد.

با جابه‌جا کردن دام به کمک ماشین می‌توان از لگدکوب شدن و تخریب مراتع میانبند و همچنین از تلفات و کاهش وزن دام جلوگیری کرد، ولی اگر کوچ ماشینی در زمان مناسب انجام نگردد می‌توان آن را به عنوان یک عامل تخریب‌کننده مراتع مطرح کرد.

۲. زراعت و باغداری

عشایر خراسان در راستای فعالیت دامداری، به کشاورزی نیز می‌پردازند. این نوع کشاورزی به روش دیم و بسیار ابتدایی و ساده انجام می‌گیرد. همچنین به دلیل ماهیت کوچندگی و تحرک، زراعت گوناگونی لازم را ندارد و تناوب کشت نیز به ندرت دیده می‌شود. بر همین اساس فن‌آوری تولید، ساده است و ماشین‌افزار و نهاده‌ها خیلی کم به کار می‌روند. بررسی اطلاعات به دست آمده از عشایر نمونه خراسان نشان می‌دهد که ۱۲/۹ درصد این خانوارها در کنار دامپروری به زراعت می‌پردازند که ۶۲/۳ درصد آن در مناطق بیلاق، ۸/۵ درصد در مناطق میانبند و ۲۹/۲ درصد در مناطق قشلاق است. همچنین ۸۶/۴ درصد خانوارهای پیشگفته نوع بهره‌برداری خود را به صورت اختصاصی و ۱۳/۶ درصد به صورت اشتراک با دیگران بیان داشته‌اند که در این راستا، تعداد شرکا به طور متوسط ۳ نفر بوده است. گفتنی است گندم، جو و گیاهان علوفه‌ای از محصولات کشت شده به وسیله خانوارهای عشایری استان به شمار می‌آیند.

براساس نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور، در استان خراسان از ۹۱۸۷ خانوار دوره بیلاق، ۷۶/۶ درصد تنها به کار دامداری پرداخته و ۱۹ درصد به دامداری و زراعت، ۱/۸ درصد به دامداری و باغداری و ۳/۵ درصد به دامداری، زراعت و باغداری اشتغال داشته‌اند. همچنین در دوره قشلاق از ۶۷۸۱ خانوار، ۷۵/۹ درصد تنها به دامداری مشغول بوده و ۱۹/۷ درصد به دامداری و زراعت، ۱/۵ درصد به دامداری و باغداری و ۲/۸ درصد به دامداری، زراعت و باغداری پرداخته‌اند (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۹. محاسبه اقتصادی زیان وارده بر دامهای عشایر بر اثر کوچ

دوره کوچ	نوع دام	تعداد (رأس)	متوسط کاهش وزن هر رأس (کیلوگرم)	کل کاهش وزن (کیلوگرم)	به میزان ۵۰ درصد (کیلوگرم)	گرمیت قابل استناد	متوسط قیمت هر کیلوگرم (ریال)	زیان دام (میزان ریال)	زیان برگرته از کاهش وزن دام (درصد)
کوچ بهاره	گوسفند و بره	۸۴۴۵۶۳	۲/۴	۲۸۶۸۱۱۴	۱۴۳۴۰۵۷	۸۴۱۰۰۷	۹۰۰۰	۱۲۹۰۶۵۱۳	۴۸/۷
	بز و بزغاله	۲۸۰۷۷۹	۲/۴	۱۵۴۴۲۹	۳۷۷۳۳۳	۱۹۱۱۲۸۱	۵۵۰۰	۳۱۰۲۶۰۶	۱۱/۷
	جمع	۱۱۲۴۳۴۲	-	۲۸۲۲۷۶۳	۱۹۱۱۲۸۱	۷۵۶۹۰۶۳	-	۱۶۰۰۹۱۱۹	-
کوچ پاییزی	گوسفند و بره	۴۹۴۷۱۰	۲/۴	۱۶۸۲۰۱۴	۸۴۱۰۰۷	۴۹۱۰۰۷	۹۰۰۰	۷۵۶۹۰۶۳	۲۸/۴
	بز و بزغاله	۲۶۵۴۶۲	۲/۴	۹۰۲۵۷۱	۲۵۱۲۸۵	۲۵۱۲۸۵	۶۵۰۰	۱۶۳۳۳۵۳	۱۱
	جمع	۷۶۰۱۷۲	-	۲۵۸۴۵۸۵	۱۲۹۲۲۹۲	۱۲۹۲۲۹۲	-	۱۰۵۰۲۴۱۵	-
کل	۱۸۸۴۵۱۴	۲/۴	۶۴۰۷۳۳۸	۳۲۰۲۶۷۳	۲۲۰۲۶۷۳	-	۲۶۵۱۱۵۳۴	۱۰۰	

منابع: داده‌های بررسی

جدول شماره ۱۰. انواع فعالیتهای عشایری خراسان به تفکیک دوره استقرار

خانوار نوع دوره	جمع	تنهادامداری	دامداری و زراعت	دامداری و باغداری	دامداری، زراعت و باغداری
بیلاق	۹۱۸۷	۶۹۵۳	۱۷۲۴	۱۶۳	۳۱۸
قشلاق	۶۷۸۱	۵۱۴۸	۱۳۳۷	۱۰۳	۱۹۳

مأخذ: منبع شماره ۱۴

بر اساس نتایج سرشماری پیشگفته، در استان خراسان زمینهایی که خانوارهای بهره‌بردار عشایر به کشت محصولات سالانه خود اختصاص داده‌اند، ۶۳۵۶ هکتار بوده که از این مقدار ۲۰/۸ درصد زیرکشت محصولات سالانه آبی و ۷۹/۲ درصد زیر کشت محصولات سالانه دیم قرار داشته است. همچنین زمینهای باغ و قلمستان خانوارهای عشایر در این استان، در برگیرنده ۳۹۳ هکتار زمین آبی و ۲۱ هکتار زمین دیم بوده است (جدول شماره ۱۱). به طوری که ملاحظه می‌شود زراعت در جامعه عشایر خراسان نقش در خور توجهی نداشته است و اصولاً زمینهای عشایر، ناچیز بوده و بیشتر زمینها را دیمزارها تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۱۱. مساحت زمینهای بهره‌برداریهای عشایر در

استان خراسان برحسب نوع استفاده از زمین

شرح	زیرکشت محصولات سالانه		آبش		باغ و قلمستان	
	آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم
مساحت زمینها (هکتار)	۱۳۲۰	۵۰۳۶	۵۸۳	۳۳۴۲	۳۹۳	۲۱

مأخذ: منبع شماره ۱۴

۳. صنایع دستی

صنایع دستی عشایر با روشهای ابتدایی انجام می‌شود و محدود به تولید فرآورده‌های دستی است. تولید انواع صنایع دستی به شکل سنتی مانند سیاه‌چادر، گلیم، جاجیم، خورجین و قالیبافی با به کارگیری مواد اولیه دامی همچون پشم، مو و دیگر موارد انجام می‌گیرد. تولید این گونه محصولات از سوی عشایر به عنوان یک کار جنبی در منطقه شمرده می‌شود و در کنار کار دامداری و دامپروری انجام می‌پذیرد. اغلب صنایع دستی به کمک نیروی زنان تولید می‌شود و بیشتر این صنایع جنبه خود مصرفی دارند. براساس بررسیهای انجام شده بر روی عشایر نمونه خراسان مشخص شد که $43/6$ درصد از این خانوارها به تولید محصولات دستی می‌پردازند. بر همین اساس صنایع دست‌ساز برای $71/1$ درصد از خانوارها تنها جنبه خود مصرفی داشته و $11/9$ درصد از خانوارها با انگیزه فروش تولیدات به این فعالیت مشغول بوده‌اند همچنین 17 درصد از خانوارها هدف خود را از تولید این محصولات، خود مصرفی و فروش اعلام داشته‌اند. در سرشماری سال ۱۳۶۶ مشخص شد از میان خانوارهای عشایر دوره ییلاق استان، ۲۸۱۸ خانوار به بافتن قالی و قالیچه مشغول بوده و ۲۶۹۵ خانوار به گلیم و زیلو بافی، ۴۵۴۸ خانوار به چادر بافی، ۶۹ خانوار به بافتن چوقاپایبرک^۱، ۹۷۸ خانوار به کلاه و دستکش بافی و ۳۹ خانوار به حصیربافی اشتغال داشته‌اند. این اطلاعات همچنین نشان می‌دهد که در میان خانوارهای عشایر دوره قشلاقی، بافتن قالی و قالیچه در ۲۳۴۳ خانوار دیده شده و نیز گلیم و زیلوبافی در ۲۲۷۴ خانوار، چادر بافی در ۳۷۳۴ خانوار، بافتن چوقاپایبرک در ۶۳ خانوار، کلاه و دستکش بافی در ۵۲۸ خانوار و حصیربافی در ۱۰ خانوار مشاهده شده است. براساس اطلاعات به دست آمده از خانوارهای نمونه عشایر خراسان، بر روی هر دار قالی‌بافی به طور متوسط ۲ نفر به کار می‌پردازند. اندازه‌های قالی و قالیچه بافته شده در این خانوارها متفاوت بوده است به گونه‌ای که $31/5$ درصد خانوارها اندازه را 2×3 متر اعلام کرده و همچنین $15/7$ درصد اندازه را $1/5 \times 2$ متر، $15/9$ درصد اندازه را $1/5 \times 2/5$ متر، 21 درصد اندازه را $1/5 \times 3$ متر، 5

۱. نوعی پوشاک (روپوش باقبا) عشایری را گویند

درصد اندازه را $۱/۱ \times ۲$ متر، $۵/۴$ درصد اندازه را ۳×۴ متر و باقیانده نیز اندازه را $۱/۵ \times ۴$ متر اعلام داشته‌اند. در گذشته‌ای نه چندان دور، تمامی مراحل تولید مواد اولیه لازم (رنگری، ریسندگی و موارد دیگر) از سوی خود خانوارها و به کمک زنان انجام می‌گرفت، ولی امروزه با توجه به گسترش و توسعه شبکه‌های ارتباطی و مراکز مبادله، مواد اولیه مورد نیاز به طور عمده بیرون از محیط ایل و طایفه و به صورت آماده خریداری می‌شود. به گونه‌ای که $۴۲/۵$ درصد خانوارهای نمونه عشایری تار و رنگ مورد نیاز قالی‌بافی را از بازار آزاد و $۱۸/۷$ درصد از جهاد عشایری فراهم می‌کنند همچنین $۳۲/۵$ درصد خانوارها تولید این مواد را خود به عهده می‌گیرند و باقیانده آنها نیز به روشهای دیگر مواد اولیه را فراهم می‌سازند. همان گونه که پیش از این گفته شد، خانوارهای عشایری که به تولید صنایع دستی اشتغال دارند بیشتر، چادر، قالی و قالیچه، گلیم و زیلو تولید می‌کنند. براساس اطلاعات به دست آمده از عشایر نمونه خراسان، تمامی چادر تولید شده از سوی این خانوارها به مصرف خانوار می‌رسد و انگیزه فروش مطرح نیست. هزینه متوسط ارزش مواد اولیه به کار رفته در تولید هر چادر ۱۱۰۰۰۰ ریال و ارزش فروش هر چادر ۲۱۰۰۰۰ ریال بیان شده است که بدین ترتیب سود خالص هر چادر در صورت فروش بدون در نظر گرفتن هزینه نیروی کار، برابر ۱۰۰۰۰۰ ریال است. امروزه صنعت چادربافی به علت دشواری تولید و در دسترس بودن چادرهای برزنتی که فراهم کردن آنها ارزانتر تمام می‌شود و در برابر گرما و سرما و نزولات جوی نیز به مراتب مقاومتر بوده‌اند، رو به نابودی است. در مورد قالیبافی، $۷۸/۶$ درصد خانوارها، خود مصرفی را انگیزه تولید اعلام داشته و $۲۱/۴$ درصد خانوارها انگیزه خود را فروش بیان کرده‌اند. بر پایه بررسیهای انجام شده در زمینه ارزیابی اقتصادی صنایع قالیبافی در میان عشایر منطقه، متوسط قیمت فروش هر قالی برابر ۳۶۰۰۰۰ ریال و ارزش مواد اولیه به کار رفته در آن ۱۵۰۰۰۰ ریال بوده است که $۵۰/۷$ درصد از این مقدار را هزینه مواد اولیه خریداری شده و باقیانده ($۴۹/۳$ درصد) را مواد تولید شده از سوی خانوار عشایری تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب متوسط سود خالص هر قالی بافته شده به وسیله این خانوارها بدون در نظر گرفتن هزینه کار آن، برابر ۲۱۰۰۰۰ ریال است. نوع دیگر

صنعت دستی منطقه، گلیم و زیلوبافی به شمار می‌آید که حاصل دسترنج زنان عشایری است و به منظور فروش کردن چادر بافته می‌شود. در این راستا ۹۴/۴ درصد خانوارهایی که اقدام به بافتن گلیم و زیلو می‌کنند، خود مصرفی را انگیزه تولید اعلام داشته و باقیانده آنها، انگیزه را فروش بیان کرده‌اند. متوسط قیمت فروش هر گلیم برابر ۸۰۰۰۰۰ ریال و ارزش مواد اولیه به کار رفته در آن ۵۰۰۰۰۰ ریال اعلام شده است بدین ترتیب متوسط سود خالص هر گلیم و زیلوی بافته شده از سوی این خانوارها بدون در نظر گرفتن هزینه کار آن، برابر ۳۰۰۰۰۰ ریال است. بر همین اساس از دیگر فعالیتهای صنایع دستی عشایری می‌توان به صنایع ریسندگی اشاره کرد؛ این صنعت به عنوان یک صنعت بنیادی و زیربنایی برشمرده می‌شود که فراهم‌کننده مواد اولیه برای دیگر صنایع عشایری است. در این راستا نزدیک به ۱۸ درصد خانوارهای نمونه عشایری به صنعت یاد شده اشتغال داشته‌اند. یادآوری می‌شود، در حال حاضر توسعه این صنعت با مشکلاتی روبه‌روست. بر همین اساس شیوه ابتدایی ریسندگی و هزینه‌گران آن، سبب شده است تا بیشتر طوایف منطقه پشم تولیدی خود را به کارگاهها و کارخانه‌های ریسندگی دهند و در برابرش نخ دریافت کنند تا به وسیله آن به بافتن صنایع دستی خود پردازند. در ادامه، از دیگر صنایع دستی تولید شده به وسیله خانوارهای نمونه عشایری منطقه می‌توان دستکش، کلاه، جوراب، کمر بند، خورجین و چاقو را نام برد که درصد تولید آنها در خانوارهای نمونه چشمگیر نیست و تعداد اندکی از این خانوارها به تولید صنایع پیشگفته اقدام می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نظام عشایری ایران به علت تحولات دهه گذشته دستخوش دگرگونیهای فراوانی شده است و در آینده نزدیک ساختار آن به کلی رو به نابودی خواهد رفت. گرچه برخی از این نابسامانیهای مرتبط با زندگی عشایری، ابعاد جهانی دارد و در راستای پیشرفتهای شگرف صنعتی دنیای امروز، بدون تردید اجتناب‌ناپذیر است ولی ضروری به نظر نمی‌رسد که به روند آن با اجرای برنامه‌های بدون مطالعه سرعت داده شود. بدون تردید نظام عشایری از دیرباز با اتکا

به مواهب طبیعی و بهره‌برداری بهینه از طبیعت، به صورتی پایدار استقرار داشته و بدون دریافت هر گونه کمکی، به طور خود بسنده به راه خود ادامه داده است. گرچه امکان دارد تصور شود که هیچ‌گونه توسعه‌ای بدون اتکا به جنبه‌های تاریخی آن و تجربه‌های گذشتگان، نمی‌تواند پایدار باشد. بدون تردید نظام تولیدی عشایری با ریشه‌های عمیق فرهنگی که در بستر نظام تولیدات کشاورزی کشور دارد می‌تواند به عنوان میراثی گرانبها و نظامی پایدار در عرصه تولید حفظ شود. این موضوع تنها با مطالعه دقیق مشکلات و تنگناها و برخورد علمی با چالشهای موجود میسر است و هر گونه برنامه شتابزده در چارچوب فراهم کردن رفاه برای این گروه به بهانه افزایش کارایی آنها می‌تواند پیامدهایی را در برداشته باشد که در آینده جبران‌ناپذیر است. در این راستا به نظام عشایری کشور باید به صورت یک میراث فرهنگی نگریست و نباید آن را با شاخصهای توسعه امروزی سنجید. همان گونه که حفظ آثار معماری گذشتگان برای پاسداری از پیشینه تاریخی و تجربی یک کشور ضروری است حفظ نظامهای تولیدی سنتی نیز می‌تواند به همان ابعاد ضروری باشد. کشور ما در نظامهای تولیدی جهان از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است و بدون تردید نظام عشایری در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بنابراین لازم است در راستای حفظ آن اقدام زود هنگام انجام گیرد.

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که:

- امروزه کوچروی عشایر با موانع فراوانی روبه‌روست و به همین دلیل، سلسله مراتب بیلاق و قشلاق به مفهوم اصلی خود رعایت نمی‌شود و حمل و نقل با وسایل نقلیه موتوری انجام می‌گیرد. گرچه این موضوع اجتناب‌ناپذیر است و امکان دارد جنبه‌های مثبتی نیز در برداشته باشد (برای مثال جلوگیری از کاهش وزن دام و یا تخریب نشدن مراتع میان بند) ولی سرعت در جابه‌جایی می‌تواند باعث چرای زود هنگام مراتع و در نتیجه بالا رفتن شدت تخریب شود.

- نبود امکان فراهم کردن غذای دام به دلیل ضعف توان مالی، افزایش تعداد دامها و فشار بی‌رویه بر مراتع باعث فروش زودرس دامها و نرسیدن دام به وزن بالقوه خود و در نتیجه زیان اقتصادی شده است.

- فعالیتهای جنبی همچون زراعت و باغداری و یا تولید صنایع دستی که به صورت تلفیق با دامداری انجام می‌شد، دچار دگرگونی شده و روابط مربوط از چارچوب اصلی خود خارج شده است.

- گرچه تولیدات اصلی عشایری (گوشت و فراورده‌های شیری) به طور عمده در راستای خود مصرفی به کار می‌روند ولی در حال حاضر به علت رقابتهای موجود در بازار، بخش عمده آن به بازار عرضه می‌شود. این تولیدات هنوز به شکل سنتی تهیه می‌شوند در حالی که اگر قرار باشد به بازار عرضه شوند باید به صورت صنعتی و در خور رقابت با تولیدات موجود باشند. با توجه به آنچه که گفته شد پیشنهاد می‌شود:

الف. نظام عشایری متناسب با پیشرفتهای امروزی در نظر گرفته شود.

ب. هرگونه برنامه‌ای در راستای پشتیبانی از این گروه بر پایه دستاوردهای علمی باشد و در این راستا لازم است از برنامه‌های شتابزده پرهیز شود.

ج. فراهم کردن نیازهای جامعه عشایری در چارچوب ساختار اجتماعی و فرهنگی آنها انجام گیرد و از هرگونه حرکتی که مغایر با فرهنگ آنهاست خودداری شود.

د. برنامه‌های کوتاهمدت و میانمدت در راستای بهبود وضع این گروه ممکن است بسیار گوناگون و متعدد باشد که برخی از آنها عبارت است از: فراهم ساختن علوفه، تأمین کردن نیازهای بهداشت دام، خدمات آموزشی و بهداشتی، بهبود وضع بازاریابی، ارائه خدمات در راستای بهبود صنایع دستی و دیگر فعالیتهای جنبی.

تشکر و قدردانی

هزینه‌های اجرایی این طرح از محل اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه فراهم شده است. بدینوسیله از شورای پژوهشی دانشگاه و دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

۱. امیر احمدی، ب. (۱۳۶۹). لزوم تغییر الگوی کوچ‌نشینی در ایران. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.
۲. پاپلی یزدی، (۱۳۷۱). کوچ‌نشینی در شمال خراسان. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ایران، مشهد.
۳. جهادسازندگی استان خراسان. (۱۳۶۸). اطلاعات عشایر خراسان. ایران، مشهد.
۴. حق پرست، ر. (۱۳۶۹). بررسی تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی عشایر شاهسون در اثر واحدهای بزرگ زراعی. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.
۵. زندمقدم، م. (۱۳۷۲). نگاهی به گذشته دامداری عشایری. طرح تدوین نظام بهره‌برداری از مراتع، جلد ۶، وزارت جهادسازندگی، معاونت آموزش و تحقیقات، ایران، تهران.
۶. سازمان برنامه و بودجه استان فارس. (۱۳۶۹). خصوصیات اقتصادی، اجتماعی عشایر اسکان یافته فارس. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.
۷. سازمان برنامه و بودجه استان خراسان. فهرست مشخصات جغرافیایی عشایر کوچنده استان خراسان، نشریه شماره ۲. ایران، مشهد.
۸. سازمان برنامه و بودجه استان خراسان. ۱۳۷۱ - ۷۳. سالنامه آماری استان خراسان، مشهد.
۹. سازمان برنامه و بودجه چهارمحال و بختیاری. (۱۳۶۹). استراتژی توسعه زندگی عشایر، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.
۱۰. شفیق، م. (۱۳۷۲). برنامه توسعه جامعه عشایری، طرح تدوین نظام بهره‌برداری از مراتع، جلد ۶، وزارت جهادسازندگی، معاونت آموزش و تحقیقات، ایران، تهران.
۱۱. صرافهایع. (۱۳۶۹). تداوم کوچ‌نشینی. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی

عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.

۱۲. طباطبایی، م. (۱۳۶۹). کوچ و دامپروری عشایر از دو دیدگاه اقتصادی و انسانی مجموعه

مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.

۱۳. مبینی، ع. و ح. عیوضی محمدی و ب. طهماسبیان. (۱۳۶۹). نقش اقتصادی و اجتماعی تعاون

در توسعه عشایر. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر

ایران، شیراز.

۱۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۶۹). سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده استان خراسان،

ایران، تهران.

۱۵. مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام خراسان. (۱۳۷۴). نگرشی بر منابع طبیعی و امور

دام استان خراسان، معاونت آموزش و تحقیقات، خراسان، مشهد.

۱۶. نجفی، ب. (۱۳۶۹). عشایر و مسئله بهره‌برداری نامطلوب از مراتع، مطالعه موردی

استان فارس. مجموعه مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.

۱۷. نجفی، ب. (۱۳۶۹). بررسی اقتصادی کوچ‌نشینی در سیستان و راههای بهبود آن. مجموعه

مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایر ایران، شیراز.